

حرف آخر

هدف قراردادن نیروهای کارآمد

شورای سردبیری فرهنگ پویا

از آتش نذری تا آبگوشت بزباش!

شاکله مدیریتی دولت اصلاحات را شکل داد. این در حالی بود که به موازات به دست گرفتن مدیریت میانی کشور و مدیریت مراکز علمی و فرهنگی از سوی این افراد از آن روز مواضع و سخنان غرب‌گرایانه‌ی خود، نسل جوان از غرب‌گرایان به ویژه فرنگ رفتگان دولت سازندگی را تا به امروز مورد حمایت و هدایت خود قرار دادند.

سخن «خاتمی»، رئیس‌جمهور دولت اصلاحات، مبنی بر این که «هیچ تحول کارساز پدید نخواهد آمد مگر آن که از متن تمدن غرب بگذرد.»^۱ و سخن «حسین مرعشی» از اعضای حزب کارگزاران مبنی بر این که «ما اصلاً معتقد نیستیم اسلام نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد.»^۲ سخنانی به مراتب منفعلانه‌تر از سخن افرادی؛ چون «تقی‌زاده» و آخوندزاده‌های عصر مشروطیت برای سوق دادن مدیریت میانی کشور به سوی خودباختگی در دوره‌ی سازندگی و اصلاحات بود.

حکایت ناکارآمد خوانی نظام در دولت اعتدال رنگ و بوی دیگری به خود گرفت، «محمود سریع‌القلم»، نظریه‌پرداز دولت اعتدال، در کتاب خود با گره زدن مشکل اقتصادی مردم با ساختار حکومت و قانون اساسی و حتی سخن گفتن از تغییر قانون اساسی و ضرورت هم‌سویی با دنیای غرب به صراحت پایبندی به دین را مشکل اساسی جهان غرب خواند و نوشت: «اگر کسی و حکومتی بخواهد به تمامی اصول و مقررات اسلامی عمل کند طبعاً نمی‌تواند، با غرب همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد.»^۳

این در حالی است که «اکبر ترکان»، مشاور رئیس‌جمهور، برتری ایران نسبت به غرب را فقط «در پخت آبگوشت بزباش و قورمه سبزی» خواند. هر چند که ایستادگی چهل ساله مردم به رهبری امام خمینی علیه‌السلام و امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله) و دست‌یابی جوانان این مرز و بوم به قله‌های علمی و فناوری و صدور انقلاب و برتری قدرتمندانه‌ی ایران اسلامی در منطقه به موازات افول قدرت غرب و سیادت آن در جهان و منطقه، خود پاسخ دندان‌شکنی به غرب‌گرایان و از نفس افتاده‌ها و پشیمان شده‌هاست؛ اما نباید از خطر جریان نفوذ در بدنه‌ی مدیریتی کشور که جز دعوت به تسلیم شدن در برابر غرب و فرهنگ غرب هنر دیگری ندارند غفلت کرد؛ چرا که خطر آنانی که از دستاوردهای جوانان این سرزمین با «آبگوشت بزباش» مقایسه می‌کنند به مراتب بیشتر از آنانی است که با کاسه «آش نذری» نیروهای کارآمد را مورد هدف گلوله خود قرار می‌دادند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شهروند امروز، شماره‌ی ۹۷، اول مهرماه ۱۳۸۶.
۲. مجله‌ی ذکر، شماره‌ی ۱۸، تیرماه ۱۳۸۶.
۳. ایران و جهانی شدن چالش‌ها و راه حل، محمود سریع‌القلم، ج ۱، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

تلاش نظام سلطه برای ناکارآمدسازی نظام نوپای اسلامی، با هدف قرار دادن عقبه‌های تئوریک نظام و کادر اصلی آن با عوامل نفوذی آغاز شد. نظام سلطه با هدایت‌های مستقیم و غیرمستقیم و خط‌دهی‌های چند لایه در همان روزهای نخست توانست با هم‌دستی عوامل فرقان به سرکردگی «اکبر گودرزی»، «آیت‌الله مطهری، آیت‌الله مفتح، عراقی و قرنی» را به شهادت برساند. خط نفوذ دشمن با بهره‌گیری از عناصری؛ چون «محمدرضا کلاهی» در حزب جمهوری، «مسعود کشمیری» در نخست‌وزیری، «کاظم افجه‌ای» در زندان اوین، «عباس زریباف» در اطلاعات سپاه، «رضا رضوانی» در وزارت صنایع سنگین و... فجایی را به بار آورد که حاصل آن، شهادت «آیت‌الله بهشتی»، رئیس‌قوه قضائیه، «رجایی و باهنر»، رئیس‌جمهور و نخست‌وزی، ده‌ها وزیر و نماینده مجلس و... بود.

خط نفوذ به همین هم بسنده نکرد بدنه کارآمد نظام در میان اقشار مختلف را نیز هدف خود قرار داد و در این مسیر حتی از ترند بردن آش نذری به درب منازل عناصر انقلابی به هنگام افطار و به شهادت رساندن آنان هم دریغ نکرد.

ضربه‌ی خط نفوذ به نظام نوپای اسلامی به گونه‌ای بود که در تابستان ۱۳۶۰ این نظام بسیاری از نیروهای کارآمد خود در رأس مدیریتی کشور را از دست بدهد، وضعیت به گونه‌ای رقم خورد که نظام با دست دادن رئیس «قوه قضائیه» و «قوه مجریه» مجبور شد برای رسمیت یافتن «قوه مقننه» نمایندگان مجروح را با برانکاراد به صحن مجلس بکشانند؛ اما فاز دوم نفوذ دشمن برای ناکارآمدسازی نظام به مراتب خطرناک‌تر از فاز نخست آن بود و آن تربیت مدیرانی آن هم با هزینه خود نظام برای ناکارآمد جلوه دادن نظام اسلامی و ناکارآمد ساختن آن در برابر نظام سلطه بود، هر چند که اسناد به جا مانده از سازمان منافقین گویای این واقعیت است که سازمان منافقین هم در آن مقطع از نیروهای مرکزی خود خواسته بود که عناصر نخبه و آینده‌دار جوان را درگیر کارهای عملیاتی نسازد و آنان را برای آینده‌ی این سازمان در بدنه‌ی نظام مدیریتی باقی بگذارد؛ اما گذار از فاز ترور شخصیت به فاز شخصیت‌سازی به دوره‌ی دولت کارگزاران می‌رسد؛ آن‌جا که ناکارآمدسازی نظام رنگ و بوی تفکر لیبرالی به خود گرفت.

اعزام برخی از دانشجویان به صورت سازماندهی شده برای تکمیل تحصیلات به خارج از کشور در دولت کارگزاران، پس از کاشت ذهنی توسط اساتید لیبرال در داخل را می‌توان فاز دوم خط نفوذ به شمار آورد. در این دوره دعوت «حمیدرضا جلابی‌پور» به عنوان مسئول انجمن اسلامی دانشجویان در لندن از «عبدالکریم سروش» برای برگزاری یک دوره‌ی شش ماهه و پرورش نسلی از نیروهای انسانی برای مدیریت میانی کشور،